

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۸، ۱۱۳-۱۳۶

نقدی بر کتاب

البنی الأسلوبية دراسة في الشعر العربي الحديث

سمیه حسنیان*

چکیده

نظر به اهمیت نقد علمی و ادبی در شناساندن نقاط قوت و ضعف نگاشته‌های مختلف، شاید بتوان ادعا کرد که ارزش نقد آثار از خود آن‌ها کم‌تر نیست. از این ره‌گذر، پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و نقد کتاب *البنی الأسلوبية دراسة في الشعر العربي الحديث*، اثر کمال عبدالرزاق العجیلی، پرداخته و ملاحظات مختصری درباره آن در دو جنبه شکلی و محتوایی بیان داشته است. مهم‌ترین یافته‌های این بررسی و نقد بیان‌گر آن است که برخی نواقص و کاستی‌ها در هر دو جنبه شکلی و محتوایی یافت می‌شود که برخی از آن‌ها عبارت است از وجود برخی خطاهای تایپی و نگارشی، عام‌بودن موضوع، اشاره نکردن به پیشینه تحقیق، ارائه برخی مطالب بدون توجه به آمار، جذابیت‌نداشتن عنوان اثر و وضوح آن، و جامعه آماری بسیار زیاد که مانع ارائه تحلیل‌های دقیق و عمیق از سوی نویسنده شده است. هرچند نباید از نظر دور داشت که کتاب محاسن فراوانی هم دارد، مانند نقد و تحلیل دیدگاه‌های دیگران، تازگی و نوآوری از لحاظ تطبیق دیدگاه جدید بر متون شعری، تعریف دقیق اصطلاحات تحقیق، دوری از استطراد و بیان مطالب خارج و غیرمرتبط به موضوع مطرح‌شده، پرهیز از تکرار مطالب، ارجاعات دقیق، بهره‌گیری از مستندات و منابع و مآخذ فراوان و معتبر در موضوع.

کلیدواژه‌ها: سبک‌شناسی، *البنی الأسلوبية*، کمال عبدالرزاق العجیلی، مطولات، شعر معاصر عربی.

* استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، shassanalian@yahoo.com s.hasanalian@fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

Copyright © ۲۰۱۸, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution ۴.۰ International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

فراوانی مطولات شعری از ویژگی‌های بارز شعر عربی معاصر شده تاجایی که شاید نام‌گذاری این دوره به «عصر المطولات الشعرية» امری گزاف و به‌دور از انصاف نباشد. مطولات در واقع قصیده‌های طولانی‌اند که قدرت واقعی شاعر در ابداع ساختار فنی در آن جلوه‌گر می‌شود و مانند بنایی بلند است که با افزودن یا کاستن آجری از آن ارزش زیبایی و ساختاری خود را از دست خواهد داد و بسیاری از این مطولات از شاعران به‌صورت جداگانه چاپ شده و یا بخش عظیمی از دیوان شاعر را به خود اختصاص داده است.

درباره اسباب پیدایش این مطولات در دوره معاصر نظرهای مختلفی ارائه شده است. برخی دین، سیاست، و هنر را عوامل اصلی ظهور مطولات دانسته‌اند (عبدالرزاق العجیلی ۲۰۱۲: ۱۸)، هرچند نباید از این موضوع غافل بود که از دیرباز در بین شاعران عرب افرادی بوده‌اند که به سرودن قصیده‌های طولانی بیش‌تر علاقه نشان داده‌اند، هم‌چنان‌که ناقدان قدیم نیز به مسئله اطلاع و ایجاز به‌تفصیل پرداخته‌اند که برای مطالعه بیش‌تر می‌توان به کتب جاحظ، ابن‌خلدون، و ابن‌رشیق مراجعه کرد.

از سوی دیگر، ناقدان از دیرباز به مسائل مختلفی از یک متن ادبی توجه داشته‌اند و توجیه آن‌ها برای توجه به مسائل متن این بوده که می‌تواند در فهم متن یاری‌رسان باشد، اما توجه به این مسائل خارجی و پیرامونی تا حدی افزایش یافت که باعث اهمال جنبه تحلیل زبانی شد. گویا نقد ادبی فقط موضوعاتی چون معانی و افکار، خیال و عاطفه، تجربه شعری و صدق فنی، و مسائلی از این دست را، که با عنوان «مضمون» قرار می‌گرفت، نصب‌العین خود قرار داد و شکل و ساختار موضوع مناسبی برای بررسی و تحلیل در علم سبک‌شناسی و زبان‌شناسی شد و موضوعاتی چون صرف، نحو، واژگان، و آواها را در بر گرفت (الراجحی ۱۹۸۱: ۱۱۶).

یکی از روش‌های نقد که در دهه ۱۹۵۰ م از قرن بیستم مطرح شد و در نقد و تحلیل متون استفاده شد سبک‌شناسی است. این موضوع بسیاری از مطالعات و تحقیقات حوزه زبان‌شناسی را به خود اختصاص داده است. این مسئله سؤالات بسیاری را درباره این‌که سبک‌شناسی علم است یا روش در ذهن‌ها مطرح کرده است و این سؤالی است که پاسخ به آن به‌صورت معین و مشخص بسیار مشکل است و بین ناقدان در پاسخ به این سؤال اختلاف نظر وجود دارد. بعضی‌ها آن را هم‌چون زبان‌شناسی علمی مستقل می‌دانند و یا حداقل علمی که مندرج در زیرشاخه‌های علم زبان‌شناسی باشد (مصلوح ۱۹۸۴: ۲۱۷)، در حالی که بعضی دیگر علمی بودن سبک‌شناسی را رد کرده‌اند (أبودیب ۱۹۸۴: ۲۱۹).

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث ۱۱۵

سبک در واقع روش نویسنده در ساخت مواد زبانی است. شاید بتوان گفت:

سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می‌خورد. یک روح یا ویژگی یا ویژگی‌های مشترک و مکرر در آثار کسی است... این وحدت از عوامل و مختصات تکرارشونده و جلب‌نظرکننده ناشی می‌شود، عواملی که نسبتاً آشکار اما غالباً پنهان و پوشیده‌اند (شمیسا ۱۳۸۶: ۱۶).

و نیز در تعریف آن آمده است:

سبک محصول گزینش خاصی از واژه‌ها و تعابیر و عبارات است. نویسندگان مختلف برای بیان یک معنای واحد تعابیر مختلف دارند و از واژه‌ها و عبارات گوناگون استفاده می‌کنند و بدین ترتیب سبک آنان اختلاف دارد، البته این تعریف از سبک شباهت زیادی به تعریف علم بیان دارد که همان ادای یک معنای واحد به طرق مختلف است و برطبق این تعریف سبک همان نحوه بیان است و این نکته به لحاظ علم بیان ما را به آنجا می‌کشاند که برخی از شاعران استعاره‌گرا و برخی تشبیه‌گرا هستند و اساساً زبان برخی از شاعران به شدت تصویری است و این پیوند ما را به آنجا می‌رساند که تحقیق در بیان یکی از مهم‌ترین پایه‌های قضاوت راستین در باب سبک را فراهم می‌کند (طالبیان ۱۳۷۸: ۱۶).

به‌هرحال، سبک‌شناسی امری است که در ابتدای وجودش ارتباطی تنگاتنگ با زبان‌شناسی دارد و بعد از آن ناقدان در بررسی و تحلیل متن از آن بهره جستند. بنابراین، سبک‌شناسی بین روش علمی در مطالعات زبانی و روش نقدی در مطالعه متن ادبی توازن برقرار کرده است.

زبان‌شناسی جدید در پی شناسایی و کشف نشانه‌های سبکی یا ویژگی‌های شکلی آثار مختلف برآمده تا آن‌چه را باعث متمایزشدن اثر یک نویسنده یا شاعر یا دوره‌ای معین می‌شود معرفی کند. این شاخصه‌های سبکی می‌تواند حوزه‌های آوایی، جمله، و ترکیب جملات قاموسی (معجمی) و یا بلاغی را در بر گیرد (برامز ۱۹۸۷: ۵۵) و اگرچه خود سبک از دیرباز مورد توجه بوده است، اما اصطلاح سبک‌شناسی از قرن بیستم و با ظهور پژوهش‌های زبانی جدید، که در رأس آن مدرسه زبان‌شناس سوئیسی فردیناند دی سوسور قرار دارد، رواج یافت.

تألیف کتاب‌های مختلف در زمینه سبک‌شناسی نه فقط در زبان عربی، بلکه در زبان فارسی نشان‌دهنده ضرورت وجود تألیفاتی در این موضوع و بیان‌گر دغدغه بسیاری از

صاحب‌نظران و پژوهش‌گران این حوزه است و آثاری هم‌چون *البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث*، اثر کمال عبدالرزاق العجیلی، اقدامی بایسته برای پاسخ‌گویی به این ضرورت است.

مقاله حاضر در راستای محقق‌کردن یکی از اهداف اساسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، که همان بررسی و نقد آثار علمی است، به بررسی کتاب حاضر پرداخته است و سعی نویسنده این سطور بر آن بوده تا با نقد و تحلیل این اثر مطابق شیوه‌نامه پژوهشی پژوهشگاه از لحاظ ظاهری و محتوایی و درون‌ساختاری برای پرسش‌های زیر پاسخی مناسب بیابد:

- کدام‌یک از مؤلفه‌های جامعیت صوری در اثر مورد بررسی یافت می‌شود؟
 - کیفیت چاپی و فنی اثر چگونه است؟
 - نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر و نیز در درون هر فصل به چه ترتیب است؟
 - میزان اعتبار منابع علمی مورد استفاده و میزان دقت نویسنده در استنادات چگونه است؟
 - تعامل اثر مورد بررسی با آرای دیگران و نحوه نقد آن‌ها به چه صورت است؟
 - میزان سازواری محتوای علمی اثر با مبانی و اصول دینی و اسلامی چگونه ارزیابی می‌شود؟
- البته، به برخی از سؤالات دیگر نیز، که در نقد و تحلیل کتاب مورد نظر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی بوده، به صورت ضمنی پاسخ داده شده است.
- روش پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به سؤالات مطرح شده توصیفی - تحلیلی است و از روش کتاب‌خانه‌ای نیز استفاده شده است.

۲. بررسی و نقد کتاب *البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث*

در این بخش از مقاله بعد از معرفی کتاب، که شامل قسمت‌هایی چون کتاب‌شناسی، خاستگاه کتاب، بیان موضوع آن، جامعیت صوری، عنوان‌بندی، و فصل‌بندی است، به تحلیل و نقد محتوای اثر پرداخته شده است تا به صورت کامل و جامع به سؤالات مطرح شده در مقدمه پژوهش پاسخ داده شود.

نقدی بر کتاب *البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث* ۱۱۷

۱,۲ معرفی کتاب

در بخش معرفی کتاب به نکاتی چون کتاب‌شناسی، معرفی کوتاه نویسنده، خاستگاه و موضوع، جامعیت صوری، و نیز محتوای کتاب اشاره می‌شود تا زمینه برای نقد محتوا فراهم شود.

کتاب *البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث* را کمال عبدالرزاق العجیلی نگاشته است. اصل کتاب رساله دکتری نویسنده است که عنوان *البنیات الأسلوبیة فی مطولات الشعر العربی الحدیث* داشته و به راهنمایی علی الزبیدی در دانشکده ادبیات دانشگاه بغداد دفاع شده و در سال ۲۰۱۲ م انتشارات دار الکتب العلمیة در بیروت در قطع وزیری در ۳۲۰ صفحه آن را چاپ کرده است.

گفتنی است باتوجه به تخصص کمال عبدالرزاق العجیلی در زمینه نقد و ادبیات، این نویسنده اثر ارزشمند دیگری به نام *علیة بنت المهدي، شعرها و حیاتها* نگاشته که در آن به معرفی شخصیتی تاریخی از میراث ادبیات عربی پرداخته است و در سال ۱۹۸۶ م انتشارات *الدار العربیة للموسوعات* در بیروت آن را در ۱۷۱ صفحه چاپ کرده و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

۱,۱,۲ خاستگاه کتاب

همان‌گونه که گذشت، کتاب حاضر نتیجه بررسی و مطالعات پدیدآورنده در دوره دکتری است و بی‌شک احساس نیاز ادبیات عربی به نمونه‌های تطبیقی و عملی نظریه‌ها و روش‌های نقدی بر متون انگیزه اصلی نویسنده در انتخاب چنین موضوعی بوده است. نویسنده خود در ابتدای مقدمه کتاب به این موضوع اشاره کرده و با نظر به کمبود چنین مطالعاتی در ادبیات عربی، دست به این کار عظیم زده تا ویژگی‌های سبکی مطولات شعر معاصر عربی را استخراج کند (عبدالرزاق العجیلی ۲۰۱۲: ۵).

۲,۱,۲ موضوع کتاب

این کتاب، که گامی مؤثر در راستای پرکردن خلأ موجود در تطبیق نظریه‌ها و روش‌های نقدی بر متون است، مطولات در شعر عربی معاصر را از نظر سبک‌شناسی بررسی و تحلیل کرده است. نویسنده سعی کرده تا با بررسی مطولات شعر عربی معاصر از ابتدای قرن بیستم، مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی آن‌ها را در سه مرحله مهم ارائه کند.

البته، باید یادآور شد که پدیدآورنده یافته‌های علمای عرب را، که خود اساس دستاوردهای جدید در علم سبک‌شناسی شده است، نادیده نگرفته و در بسیاری از مواقع شاهد مراجعه وی به نگاشته‌های آن‌هایم که نویسنده با ذکر مستندات آن‌ها را بیان کرده است.

۳،۱،۲ جامعیت صوری کتاب

جامعیت صوری کتاب موردبررسی در قالب دو جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۱. جامعیت صوری کتاب

پیش‌گفتار	مقدمه		بیان هدف اثر		فهرست مطالب		خلاصه		نتیجه	
	کلی	فصول	صریح	ضمنی	اجمالی	تفصیلی	فصول	کلی	فصول	کلی
✓	✓	✓	✓		✓			✓		✓

جدول ۲. جامعیت صوری کتاب

کتاب‌شناسی	تمرین و آزمون	فهرست			جدول، تصویر، نمودار و نقشه			
		منابع	موضوعی	اعلام	نقشه	نمودار	تصویر	جدول
ندارد	ندارد	✓	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	✓

همان‌طور که جدول ۱ و ۲ نشان می‌دهد، اثر موردبررسی جامعیت صوری مناسب و مطلوبی دارد، هرچند فاقد برخی بخش‌هاست و نیز باتوجه به ادعای نویسنده در مقدمه، که به مسائل آماری پرداخته، انتظار می‌رفت نمودارها و جدول‌های بیش‌تری برای ارائه آمار داشته باشد. هم‌چنین، نباید از نظر دور داشت که کتاب حاضر به تمرین و آزمون نیاز ندارد، چراکه بیش از آن که آموزشی باشد جنبه پژوهشی دارد.

از منظر ظاهری سعی نویسنده بر آن بوده که سنت مکتوبات گذشته در تنظیم مطالب را رعایت کند، اما در تیتربندی محتوا از الگوی شمارگان استفاده نکرده است، بدین ترتیب که هر شماره ناظر به موضوعی جدید باشد، بلکه مطالب بدون شمارگان بیان شده‌اند.

تناسب بین فصل‌ها تقریباً رعایت شده است. فصل اول ۸۴ صفحه، فصل دوم ۷۶ صفحه، و فصل دوم ۸۹ صفحه است.

کیفیت شکلی و چاپی اثر از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، صحافی، و طرح جلد خوب و در حد مطلوب است، به گونه‌ای که کلمات، سطرها، و صفحات چشم‌نواز است و

نقدی بر کتاب *البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث* ۱۱۹

مطالعه را برای خواننده آسان می‌کند، هر چند طرح جلد بسیار ساده است و عنوان کتاب و نام نویسنده با حروف چینی بزرگ و انتشارات کتاب با حروف چینی کوچک‌تری بر آن چاپ شده است.

فاصله ابتدای بندها (پاراگراف‌ها) یا به عبارتی تورفتگی بادقت رعایت شده است و نویسنده از نگارش بندهای طولانی، که باعث ملالت خواننده می‌شود، در حد امکان پرهیز کرده، به طوری که حداکثر طول پاراگراف‌ها در کتاب نصف صفحه است.

هم‌چنین، غلط‌ها و اشکالات تایپی و چاپی بسیار کم است، البته در بخش‌هایی از کتاب برخی خطاها و اشتباهات دیده می‌شود که بایسته است برای چاپ بعدی ویرایش و اصلاح شوند. نمونه‌های آن در صفحات ۷، ۱۷، ۲۲، ۲۴، ۲۸، ۳۳، ۳۶، ۴۲، ۵۱، ۵۲، ۷۰، ۸۱، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۶، و ۱۴۱ مشاهده می‌شود.

از موارد دیگری که شاید بتوان آن را نیز جزء خطاهای تایپی به حساب آورد، بی‌توجهی به کیفیت نگارش همزه (قطع یا وصل) است که نمونه‌های آن در کتاب فراوان است. مانند کلمات «إفراء، أبو نؤاس، الإطالة، الإنذار، الإصلاح، الأمر، الإيجاز، أغلب، الأحوال، إمكانية، الإفادة، إجابة، إزاء، الإنس، إشباع، الأساس» که نگارش همزه این واژگان در کتاب صحیح رعایت نشده است.

از آن‌جاکه استفاده از علائم سجاوندی در هر متنی و به‌خصوص کتاب‌ها و مقالات علمی ضرورت دارد، چراکه چنین نوشته‌هایی «به ابزار محکم‌تر و روشن‌تر و کامل‌تری نیاز دارد و به علت تفاوت با زبان عامیانه و زبان اداری و روزنامه‌ای به توانایی و دقت بیشتری نیازمند است» (غلامحسین زاده ۱۳۹۰: ۱)، نوشته حاضر به بررسی چگونگی کاربرد این علائم از سوی پدیدآورنده پرداخت و این نکته روشن شد که نحوه به‌کارگیری این علائم کاملاً مناسب و مطلوب بوده و قاعده نگارش این علائم (بدون فاصله از کلمه قبل و یک فاصله با کلمه بعد)، جز در موارد اندک رعایت شده است.

بایسته بود معادل انگلیسی نام‌های لاتین در پانویس آورده شود. مانند نام‌هایی که در صفحه‌های ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۴، ۴۷، ۴۸، و ۵۷ ذکر شده است.

خطاهای رایج در قواعد نگارشی و ویرایشی مانند فاصله زیاد بین مبتدا و خبر یا اسم، خبر، حروف، و افعال ناقصه، طولانی شدن جملات به طوری که به نامفهوم شدن آن‌ها منجر شود، رعایت نکردن نشانه‌گذاری‌ها، و... در این کتاب بسیار اندک و انگشت‌شمار است.

از نمونه‌های خطاهای نگارشی بدین قرار است:

تناسب‌نداشتن موصول با کلمه قبل از آن: در صفحه ۱۰۹ چنین آمده است: «ارتبطت صورة المنازل المتلاشية في الأفق بصورة الطباشير الذي يحمى بفعل فاعل...» که بایسته بود موصول مفرد مؤنث می‌آمد؛

ذکر الف و لام در مضاف: در صفحه ۱۵۷ نویسنده این‌گونه نوشته است: «فإن من أول النتائج الحذف - كما ذكرت مرارا - ضغط الجملة وتكثيفها» که الف و لام در مضاف «النتائج» باید حذف شود؛

ذکر جمله اسمیه بعد از حرف جر «إلى» بدون ذکر «أن»: در صفحه ۲۶ نویسنده با استناد به کتاب عزالدین اسماعیل این‌گونه نوشته است: «وكان قد أشار إلى ظهور المسرحية الشعرية الجديدة يعد تطوراً طبيعياً للقصيدة الدرامية الطويلة». در این‌جا ذکر حرف «أن» بعد از حرف جر «إلى» ضرورت دارد؛

ذکر «بین» با فعل لازم «ترتبط»: در صفحه ۲۷ این‌گونه آمده: «فالنتيجة النهائية هي أنها قصيدة ترتبط بمهارة بين كثير من تلك الحالات العاطفية»، درحالی‌که شکل صحیح جمله بدین صورت است: «قصيدة ترتبط بين كثير...».

نگارش ناصحیح اسم و خبر فعل ناقصه: در صفحه ۴۴ نمونه آن آمده است: «حيث كان شعراء الرابطة القلمية (جبران، ميخائيل نعيمة، إيليا أبو ماضي، ..الخ) / أتركيب في محاولات التجديد في الشكل والمضمون»، که باید این‌گونه نوشته می‌شد: «كان لشعراء... أثر...».

درکل، می‌توان گفت که کتاب در رعایت اصول نگارشی و قواعد آن نسبتاً موفق بوده است.

۴,۱,۲ عنوان‌بندی و فصل‌بندی کتاب

قدر مسلم هر نویسنده‌ای در اثر خود در پی پاسخ‌گویی به سؤالاتی است و بنابر فرضیه یا فرضیاتی کار خود را پیش می‌برد و معمولاً آن موضوع اصلی عنوان اثر قرار گرفته و مطالب دیگر و عناصر فرعی به‌عنوان فصل‌ها یا بخش‌های یک کتاب قرار می‌گیرند (صابری ۱۳۸۴: ۲۳). در کتاب موردبررسی نیز نویسنده در پی کشف بنیه‌های سبکی در مطولات شعر دوره معاصر است و از این‌رو سه سطح موسیقی و ترکیب و دلالت و معنا را در نظر گرفته تا در مطولات بررسی کند. بدین دلیل هریک از فصل‌های سه‌گانه همین عناوین را به خود گرفته است.

نقدی بر کتاب *البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث* ۱۲۱

کتاب حاضر با مقدمه نویسنده آغاز شده است. این مقدمه انگیزه اصلی پژوهش، روش، ساختار کتاب، و بیان مشکلات تحقیق را در بر دارد. ساختار اصلی کتاب را یک پیش‌گفتار (تمهید) و سه فصل به خود اختصاص داده است:

در پیش‌گفتار با عنوان «التمهید / المطولات الشعرية فی النقد العربی قدیما و حدیثا» دیدگاه نقد ادبی قدیم و جدید به مطولات بیان شده که در ابتدا به تاریخچه نام‌گذاری قصاید به مطولات پرداخته که به دوران جاهلی بازمی‌گردد که معلقات با این نام خوانده شده و یا برخی از شارحان این قصیده‌ها به این نام‌گذاری اشاره کرده‌اند؛ مانند شرح ابن‌انباری که نام «شرح القوائد السبع الطوال الجاهلیات» را به خود گرفته است. نویسنده بیان داشته که بین ناقدان در معیاری که برای طولانی‌بودن قصیده در نظر گرفته شده اختلاف بوده است. هم‌چنان‌که به دو مسئله الإطالة و الإیجاز در نقد شاعران و بررسی اشعارشان توجه می‌کردند. از موضوعات دیگری که نویسنده در پیش‌گفتار به آن پرداخته است می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بیان تفاوت بین المطولات و القصيدة الطويلة؛
 - اسباب پیدایش مطولات در دوره معاصر؛
 - ذکر نمونه‌هایی از مطولات در شعر عربی معاصر و به‌شکل خاص آن در شعر معاصر عراقی؛
 - توضیح دو اصطلاح «الغنائیة» و «الدرامیة» و ارتباط آن دو با مطولات دوره معاصر؛
 - انواع قصیده طولانی در دوره معاصر.
- فصل اول** کتاب با عنوان «الإیقاع و البنية الموسیقیة» از یک مدخل و سه مبحث اصلی «الإیقاع و اللغة»، «الوزن و القافیة»، و «التکرار» تشکیل شده است. روش کلی حاکم بر اثر بدین ترتیب است که پدیدآورنده سه مرحله اساسی، که بر مطولات گذشته، را در نظر گرفته است:
- الف) دوره‌ای که صاحبان مطولات به تقلید از شعر قدیم پرداختند و از نظر شکل ظاهری نیز به یک بحر عروضی و یک قافیه پای‌بند بوده است؛
 - ب) مرحله‌ای که شاعران تلاش خود را برای سرودن مطولات در قالب شعر مرسل به‌کار گرفتند، بدین ترتیب که در یک بحر عروضی مطوله خود را سروده‌اند، اما به قافیه چندان توجهی نداشته و قصد رهایی از آن را داشته‌اند؛

ج) دوره سوم مطولات شاعران مهجر و جماعت دیوان و آپولو را در بر می‌گیرد که مطولات هم در شکل و هم در مضمون تغییرات اساسی یافته است؛ به‌خصوص بعد از آن‌که شاعران با شعر غربی آشنا شدند و بحرهای عروضی را با یک‌دیگر آمیختند و به قافیه‌ها تنوع بخشیدند و علاوه بر ترجمه نمونه‌هایی از شعر غربی به نگارش شعر مشور (شعر سپید) پرداختند.

بدین ترتیب نویسنده در هر سه فصل این مراحل سه‌گانه را مدنظر قرار داده است، اما همان‌گونه که واضح است تعداد مطولات در این دوره‌ها بسیار زیاد بوده و باین‌که نویسنده در مقدمه دو معیار اصلی کمیت (تعداد ابیات بیش از ۱۰۰) و نیز کیفیت (وحدت موضوعی) را برای انتخاب مطولات در نظر گرفته و از این ره‌گذر بسیاری از آن‌ها در دامنه پژوهش وی قرار نمی‌گیرد، باین‌حال تعداد مطولات باز هم زیاد است و بهتر بود در هر دوره تعداد مشخصی از آن‌ها را برای بررسی در نظر می‌گرفت تا اثرش هرچه بیشتر به پژوهش علمی نزدیک باشد.

نویسنده در **فصل دوم** بعد از مقدمه‌ای که در «مدخل» بیان می‌دارد به سه موضوع «الرتبة وخصائص الجملة»، «الحذف»، و «حركة الزمن» می‌پردازد. بدین ترتیب که ابتدا انواع جمله در زبان عربی را مطرح کرده و با بررسی چندین مطوله از هریک از مراحل سه‌گانه چگونگی جملات در این مطولات و ویژگی‌های آن‌ها را بیان می‌کند و در مبحث حذف به انواع حذف، که شامل حذف حروف، واژگان، جملات، و تراکیب بوده اشاره و نمونه‌های آن را در مطولات ارائه می‌کند و در مبحثی که با عنوان «حركة الزمن» مطرح کرده به فعل و زمان‌های مختلف آن اشاره دارد و با رسم جدول‌های مختلف آماری از به کارگیری افعال ماضی، مضارع، و امر در برخی مطولات به‌دست داده و ارتباط آن را با معنایی که شاعر قصد بیان آن را داشته توضیح داده است.

در **فصل سوم** کتاب با عنوان «البنیات الدلالية» بعد از «مدخل» به موضوعاتی چون «الدلالة واللغة الشعرية»، «العنوان»، «الأعلام والتضمین»، و «الصورة الشعرية» پرداخته است.

در مبحث اول، نویسنده فقط به کلیات پرداخته و بدون ذکر نمونه شعری به ارائه برخی توضیحات در بیان ارتباط زبان و دلالت اکتفا کرده است. سپس، با اشاره به عناوین مختلف مطولات گوناگون سعی در شرح و بسط ارتباط عنوان با معنا و مفهوم قصیده دارد، چراکه عنوان اولین نشانه سبکی نویسنده است که نظر مخاطب را به خود جلب می‌کند و عناوین باید بار معنایی و دلالتی سنگینی را بر دوش بکشند. در مبحث نهایی فصل سوم نویسنده با

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث ۱۳۳

نظر به اهمیت تصویرسازی در بررسی سبک شناسانه به این مهم پرداخته است. حال با توجه به این که طولانی بودن مطولات بستر لازم برای تصویرپردازی های بسیار را فراهم می آورد، شاعران معاصر فرصت را مغتنم شمرده و مطولات خود را با انواع تصاویر حسی، خیالی، حقیقی، و... آراسته اند، هرچند مهارت هریک از شاعران در این موضوع با دیگری متفاوت است.

پدیدآورنده کتاب برای هر فصل خاتمه در نظر نگرفته تا نکته های مهم آن فصل را بیان کند و فقط در آخر اثر، خاتمه کلی آورده شده که خلاصه نتایج کل فصل های کتاب را یادآور می شود.

۲،۲ تحلیل و نقد درونی کتاب

در این قسمت از مقاله، با علم به این که نقد یک اثر فقط ایرادگرفتن و خرده گیری از آن نیست، بلکه علم ارزیابی و سنجش آن براساس قواعد و اصول خاص است که به روش شناسی نقد مشهور است، به نقد و بررسی و تحلیل محتوای درونی کتاب البنی الأسلوبیة می پردازیم. از این رو، از روش تحلیل محتوا (content analysis) بهره می گیریم که خود تکنیکی پژوهشی است که به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده ها درباره متن آن ها به کار می رود (کرپیندروف ۱۳۷۸: ۲۵) تا هدف این تحلیل، که همانند سایر تکنیک های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت، و راهنمای عمل است، محقق شود.

از نکات درخور ملاحظه در این اثر توجه نویسنده به نقد و ارزیابی نظرها و دیدگاه های دیگران در موضوعی است که مطرح کرده و در نوشتار خود به آن می پردازد. در این جا به برخی از نمونه های آن اشاره می شود:

- در صفحه ۵۸ با نظر جمیل سعید، مبنی بر این که قصیده «الثورة فی الجحیم» زهاوی فقط جنبه دینی دارد و از این رو شهرت دینی آن بیش تر از جنبه ادبی آن است، این گونه مخالفت کرده است: «وهذا رأی یصعب قبوله، لأن قيمة هذه المطولة تنحصر فی كونها قفزة شعرية تجديدية فهل يهملها النقاد لو لم يحتج عليها رجال الدين بعد نشرها؟!» (عبدالرزاق العجیلی ۲۰۱۲: ۵۸).

- یا با نظر شرقی شناس آربری، در بیان این که مطوله شوقی نوعی حماسه به شمار می رود، مخالفت کرده است: «وقد وهم آربری حين عد هذه المطولة ملحمة لكونها تفتقر إلى

کثیر من السمات الملحمية كما أنها لم تنظم بقواف مزدوجة لأنها لم تلتزم قافية بعينها شأنها في ذلك شأن الأرائز العربية» (همان: ۶۱).

وی گاهی در بررسی و تحلیل آرا و دیدگاه‌های دیگران به طرح برخی پرسش‌ها پرداخته و بدون این‌که خود پاسخ‌گوی آن‌ها باشد با برانگیختن روح نقادی در خواننده او را در جهت مطالعهٔ بیش‌تر و دست‌یابی به پاسخ‌سؤالات مطرح‌شده تشویق می‌کند؛ مثلاً در توضیح این سخن نازک الملائکه که چرا وی بحر خفیف را برای سرودن مطولات انتخاب کرده به پاسخ خود بانوی شاعر اشاره می‌کند و بعدازآن این‌گونه بیان می‌دارد:

ويثير فينا كلام نازك بعض التساؤلات منها: ۱- لماذا أغلقت الإشارة إلى المطولات الشعرية العربية منها والحديثة وقصرت إعجابها بالمطولات الإنكليزية تحديداً؟ علماً بأن نازك تتحلى بثقافة تراثية واسعة كما يتضح من آرائها النقدية المبنوثة في كتبها. وبهذا تكون قد تجاهلت تأثرها بالمطولات العربية لسبب غير واضح. ۲- ما غاية التطويل؟ وما جدوى الفخر بهذا العدد الكثير من الأبيات الذي بلغته المطولة (۱۲۰۰) بيت؟ وما مغزى الإشارة إلى الأشهر الستة التي استغرقها نظم المطولة؟ ۳- لم توضح نازك فائدة العبارة الطويلة التي يتيحها البحر الخفيف للشاعر ثم ما تأثير «الجمل الطويلة دون تقطيع» في العملية الإبداعية؟! (همان: ۷۶).

- یا در نقد خود بر نظرهای دیگران و نیز تحلیل دیدگاه‌هایشان به تناقضاتی که در کلام آن‌ها وجود دارد پی برده و آن‌ها را ذکر کرده است؛ مثلاً در نقد نظر نازک الملائکه مبنی بر این‌که شعر تفعلیه صلاحیت به‌کارگیری برای سرودن مطولات را ندارد، چون موسیقایی آن کوتاه‌تر از موسیقی شعر عروضی است، با طرح سؤالاتی چند متعرض این موضوع شده و این تناقض‌گویی نازک الملائکه را گوش‌زد کرده است:

ويبدو لي أن هذا الرأي يمثل تراجعاً ملحوظاً عن موقف لها سابق أعلنت فيه أن الأوزان الحرة تصلح للشعر القصصي والدرامي أكثر من صلاحيتها لغيره. فأين تكمن الرتابة؟ أفي شعر الشطرين بقوانينه الموسيقية الصارمة أم في الأوزان الحرة التي تقل فيها حدة الصرامة الموسيقية ليتأسس نظام موسيقى جديد تحكمه قوانين أكثر مرونة وقدرة على الامتداد مع الأفكار والانفعالات؟ ثم ألا يزخر الشعر الحر الذي دافعت عنه نازك مراراً بالموسيقى والصورة؟ (همان: ۷۷).

- و نیز آن‌گاه که به اسباب پیدایش مطولات اشاره می‌کند به دیدگاه سعدالدین الجیزاوی اشاره کرده که معتقد است تنها عامل ظهور مطولات دین است (همان ۱۸)، اما نویسنده به

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث ۱۲۵

تناقض کلام وی اشاره کرده و در نقض نظر وی نمونه‌های فراوانی از مطولات را نام می‌برد که عواملی سیاسی، فلسفی، هنری، و مانند آن علت اصلی سرایش بوده است. مانند مطولاتی که شوقی در معارضه با ابن‌زیدون، بحتری، ابونواس، و دیگران سروده است و نیز «المواكب» جبران، «عبر» از شفیق معلوف، «علی بساط الریح» فوزی معلوف، «معلقه الأرز» از نعمه قازان، و... نمونه‌های دیگر که بر نقض کلام سعدالدین الجیزاوی شاهدند (همان: ۲۰).

باتوجه به آنچه در دقت نظر نویسنده کتاب در موضوع نقد نظرها و دیدگاه‌های دیگران بیان شد، گفتنی است که این اثر خود به نوعی نوآور است و تولید علم کرده است، چراکه نوآوری و تولید علم جز در اثر تجزیه، تحلیل، و نقد معلومات گذشتگان صورت نمی‌گیرد و همان‌گونه که گذشت، نویسنده نقد دیدگاه‌های دیگران را در دستورکار خود قرار داده و در بسیاری از موارد نیز به تحلیل اشعار موردبررسی پرداخته است. در واقع، همین که پژوهش نویسنده خود به کتاب تبدیل شده از یکی از شاخص‌های تولید دانش برخوردار بوده است:

تولید دانش فرایندی است که در آن یکی از شاخص‌های زیر وجود داشته باشد: پژوهش‌های بنیادی، مقالات بین‌المللی بکر، پژوهش‌های کاربردی، اختراع بین‌المللی، کتاب (تألیفی)، کار گروهی علمی در سطح جهانی منتج به مقاله، مجلات نمایه‌شده در مراکز معتبر بین‌المللی، تولید آثار علمی و هنری منحصربه‌فرد، گزارش‌های علمی و فنی معتبر، کارآفرینی و نوآوری، تولید آثار ادبی جهانی، ایجاد بینش و بصیرت تازه و تولید نظریه، تولید تصمیم و الگو، حل مسئله با روش ضابطه‌مند، و ترجیحاً تعمیم‌پذیر (زلفی گل و کیانی بختیاری ۱۳۸۵: ۱۰).

هرچند دربارهٔ ارائهٔ تحلیل و بررسی اشعار در دوره‌های گوناگون ذکر این نکته ضرورت دارد که نویسنده در برخی از مباحث در تحلیلات خود موفق‌تر بوده، اما برخی از موضوعات را حتی بدون ذکر نمونهٔ شعری و بررسی آن رها کرده است. برای مثال، نویسنده در بحث «العنوان»، که در فصل سوم مطرح کرده، تا حد زیادی موفق‌تر عمل کرده و تحلیلات ارزش‌مندی را در بیان ارتباط عنوان با مفاهیم مطولهٔ شعری بیان داشته است، ولی در مبحثی مهم مانند «اللغة والدلالة» اصلاً نمونهٔ شعری نیاورده و به ذکر برخی کلیات در این باره اکتفا کرده است و قصور یا تقصیر پدیدآورنده در ادای حق مطلب کاملاً مشهود است.

نکته مهم آن که هنگام ارزش‌گذاری آثار علمی از مهم‌ترین ملاک‌ها موضوع کتاب است و نویسندگانی که چگونگی نگارش آثار علمی را ذکر کرده‌اند ویژگی‌های خاصی را برای این مهم در نظر گرفته‌اند که وضوح موضوع، جدید بودن، مفید بودن، محدود بودن، جذابیت، و... برخی از آن ویژگی‌هاست (ضیف ۱۹۷۲: ۱۹؛ شلبی ۱۹۷۴: ۸؛ مشکین‌فام ۱۳۹۱: ۲۱). در اثر مورد بررسی، باید بیان داشت که اگرچه کتاب‌ها و آثار فراوانی در موضوع سبک‌شناسی نوشته شده است، اما تطبیق این دیدگاه نقدی بر آثار شاعران و نویسندگان کم‌تر ملاحظه می‌شود و در این زمینه، کتاب کمال عبدالرزاق العجیلی می‌تواند مفید تلقی شود؛ هرچند مفید بودن امری نسبی است و میزان آن باتوجه به اطلاعات خوانندگان در نوسان است. در هر صورت، این اثر می‌تواند برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌منظور آشنایی با تطبیق یک دیدگاه نقدی بر شعر شاعران یک دوره ادبی مفید باشد. هرچند کتاب عنوان واضح و جذابی ندارد، علاوه بر آن که فاقد محدودیت موضوع است، اما از آن‌جاکه کتاب با رویکرد آموزشی نگاه‌شده نه پژوهشی، شاید وجود این نقص توجیه‌پذیر باشد.

از محاسن کتاب آن است که نویسنده گویا با علم به اهمیت اصطلاحات پژوهش به‌منزله کلیدهایی که گشاینده مفاهیم به‌کاررفته در آن است، به ارائه تعریف دقیق از اصطلاحات تحقیق پرداخته است. به‌طوری‌که پیش‌گفتار کتاب به این مهم اختصاص یافته است. البته جاداشت نویسنده توضیحاتی هرچند مختصر درباره سبک و سبک‌شناسی ارائه دهد، چراکه وی، همان‌گونه که خود بیان کرده، روش سبک‌شناسی را برای تحقیق خود برگزیده، پس لازم بود توضیحاتی را در این باره برای خواننده بیان می‌کرد. نویسنده در بررسی مطولات دوره معاصر براساس سبک‌شناسی سعی در تفهیم موضوع به‌نحو مطلوب داشته، از این رو برای هر فصل ابتدا مطالبی را با عنوان «مدخل» بیان می‌کند تا برای ورود به بحث اصلی مقدمه‌چینی کند و خواننده آماده پذیرش مطالب جدید شود و گاهی طی مراحل بسط و شرح موضوع از جدول استفاده کرده است و از آن‌جاکه این کتاب بیش‌تر یک بررسی پژوهشی است تا آموزشی، نویسنده در ارائه تمرین نیاز و ضرورتی احساس نکرده است.

یکی از موارد مهم در بیان کاستی‌های کتاب اشاره نکردن به پیشینه پژوهش است. هرچند اهمیت و ضرورت اشاره به پیشینه تحقیق بر هر پژوهش‌گری کاملاً آشکار است، چراکه این موضوع باعث به‌دست‌دادن شناخت بهتری از مفاهیم کلیدی پژوهش می‌شود و آن را به تحقیقات قبلی متصل می‌کند و از کارهای تکراری و موازی‌کاری و

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث ۱۳۷

اتلاف سرمایه‌های مالی و انسانی جلوگیری می‌کند و زمینه نقد پژوهش‌های قبلی و شناخت منابع معتبر قابل‌استفاده برای تحقیق حاضر فراهم می‌شود (خوی‌نژاد ۱۳۸۰: ۵۴؛ حافظ‌نیا ۱۳۸۲: ۹۰؛ نادری و سیف نراقی ۱۳۷۰: ۲۰۴). اما متأسفانه نویسنده در مقدمه فقط به ذکر نام برخی افرادی که در این زمینه تلاش کرده‌اند، اشاره کرده بدون این‌که نام تألیف آن‌ها را ذکر کند و این‌که بر چه نوع ادبی تطبیق را انجام داده‌اند و به ذکر این جمله اکتفا کرده است: «وظهرت بعض الجهود المتمیزة فی هذا المجال مثل أعمال: کمال أبو دیب، ومحمد الهادی الطرابلسی، ومصطفی السعدنی، وعبد السلام المسدی، وحمادی صمود، وصلاح فضل وغيرهم» (عبدالرزاق العجیلی ۲۰۱۲: ۵). درحالی‌که اثر مصطفی السعدنی، با نام *البنایات الأسلوبیة فی لغة الشعر العربی الحدیث*، در سال ۱۹۸۷م در اسکندریه چاپ شده و همان‌طور که از عنوان آن برمی‌آید می‌توان حدس زد شاید قسمتی از کار نویسنده این کتاب با آن اثر هم‌پوشانی داشته باشد. درحالی‌که در مقدمه هیچ توضیحی درباره آن داده نشده و اختلاف این دو کار بیان نشده است.

گفتنی است که دوره‌ای که پدیدآورنده کتاب برای تحقیق در مطولات آن برگزیده، خود دوره‌ای بس طولانی بوده و مطولات بسیار فراوانی را در بر می‌گیرد که شاید اگر نویسنده جامعه آماری پژوهش خود را با نام‌بردن دقیق مطولات مشخص می‌کرد، پژوهش از جنبه علمی قوی‌تری می‌شد؛ چراکه در کتاب حاضر شاهد آن‌ایم که در برخی از مباحث اصلاً نامی از بعضی از مطولات ذکر نمی‌شود و در برخی مباحث حتی فقط یک نمونه مطوله بررسی و تحلیل شده است. مثلاً در بحث تضمین، که نویسنده به میزان بهره‌گیری شاعران مطولات از میراث شعری قدیم عربی اشاره دارد، فقط به بررسی *مطولة الرباعیة الثالثة* اثر حسب الشیخ جعفر پرداخته است و اثرپذیری وی از شعر ابوالعلاء معری، ابونؤاس، و متنبی را شرح می‌دهد. درحالی‌که مطولات دیگر هم تضمینات بسیاری در خود دارند و این سؤال متوجه نویسنده است که چرا فقط این مطوله را انتخاب کرده است و معیار انتخاب و گل‌چین کردن مطولات در برخی مباحث چه بوده است، درحالی‌که در مبحث موسیقی، تکرار، و... نامی از این مطوله نمی‌برد.

از کاستی‌های دیگر کتاب این‌که هرچند نویسنده در مقدمه بیان داشته که از آمار برای ارائه برخی نتیجه‌گیری‌ها بهره برده است، چراکه هرگونه بحث زبانی در ارائه سبک به پی‌گیری و شناخت بسامد ویژگی‌های سبکی متغیر است و این‌که نتایج از طریق آمار و با اعداد و ارقام بیان شود (جبر ۱۹۸۸: ۱۱)، اما گاهی بدون ذکر بسامد این‌گونه ذکر کرده است: «ونلاحظ هذا بوضوح فی شعر الزهاوی حیث تفرد بشكل ملحوظ من بین معاصریه من

شعراء النصف الأول من هذا القرن» (عبدالرزاق العجیلی ۲۰۱۲: ۱۳۶) و یا درباره ابوالقاسم شبلی این‌گونه بیان داشته است: «وَأَكْثَرُ مِنْ شَاعَتِ عِنْدَهُ ظَاهِرَةٌ حَذْفِ الْوَاوِ فِي النِّصْفِ الْأَوَّلِ مِنْ هَذَا الْقَرْنِ الشَّاعِرُ أَبُو الْقَاسِمِ الشَّابَلِيُّ الَّذِي بَلَغَ حَدَّ الْغَلْوِ أَحْيَانًا» (همان: ۱۴۹).

سؤال این است که آیا این گفته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها براساس شمارش و آمار بوده است که اگر براساس شمارش دقیق نبوده باشد این گفته‌ها در حد ادعاست و از روحیه پژوهش علمی به دور است و اگر براساس شمارش بوده، لازم است نویسنده این آمار را در جدول‌های جداگانه‌ای ارائه کند. نکته دیگر درباره این موضوع این‌که گاهی نویسنده جدولی را شامل نام قصیده و تعدادی اعداد و ارقام ارائه کرده بدون آن‌که توضیح و تحلیلی بر آن داشته باشد. نمونه آن در صفحه ۲۰۰ است که باید برای چاپ بعدی کتاب این مورد بازنگری و تصحیح شود.

از نقاط قوت این اثر دور بودن از استطراد است؛ بدین ترتیب که نویسنده سعی داشته در بیان مطالب و پردازش آن‌ها استطرادی عمل نکند و از هر بابی به ایراد سخن نپردازد؛ حتی خود در ضمن مباحث به این نکته اشاره دارد. مثلاً در جایی که به آغاز مرحله جدید سرودن شعر تفعیله در زبان عربی اشاره می‌کند و این‌که چگونه شاعران با به‌کاربردن تکنیک‌های جدید به آفرینش شعری پرداختند که دارای رویکردهای متعددی شد، وارد این بحث نشده و بیان داشته است: «وَأَضَافُوا إِلَيْهَا تَقْنِيَاتٍ جَدِيدَةً أَسَهَمَتْ فِي خَلْقِ شِعْرِ جَدِيدٍ تَعَدَّدَتْ مَنَاهِلُهُ وَاتِّجَاهَاتُهُ مِمَّا لَيْسَ الْخَوْضُ فِيهِ غَاةَ هَذَا الْبَحْثِ» (همان: ۴۵).

هرچند گستردگی دامنه پژوهش اثر گاهی نویسنده را به بیان نکات دیگری سوق داده است، مانند این‌که در صفحه ۹۸ درباره مطولة مطران و بنای موسیقی و ایقاع در آن بحث می‌کند، به موضوع غرابت الفاظ و واژگان در آن وارد شده و درباره علت این مسئله سخن رانده است. یا در صفحه ۱۰۰، هنگام نگارش درباره موسیقای قصیده معروف ایلیا ابوماضی «طلاس» در جهت تبیین اهمیت این قصیده به شاعرانی اشاره دارد که به‌نوعی با این قصیده معارضه کرده‌اند، اما گویا نویسنده خود متوجه این مسئله شده که از موضوع اصلی پژوهش دور شده است. از این رو، نوشته است: «وليس من شأننا هنا أن نقارن بين هذه المعارضات ومطولة أبي ماضي، بل من المناسب أن نعود إلى الطلاس...» (همان: ۱۰۰).

از سوی دیگر، نویسنده تلاش کرده تا از ذکر مطالب تکراری بپرهیزد، زیرا تکرار مطالب فقط بر حجم صفحات افزوده و خواننده را خسته می‌کند و از این رو اگر مطلبی را قبلاً توضیح داده و بیان کرده در جای دیگر از تکرار دوباره آن دست می‌کشد. مثلاً در صفحه

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث ۱۲۹

۳۳ با یادآوری دیدگاه هربرت رید در موضوع مطولات به این نکته که قبلاً آن را ذکر کرده اشاره می‌کند: «ولا یخفی أيضاً ما لقوله بو هذه من صلة وثقی بفكرة التوتر الذهنی الواحد التی طرحها هربرت رید فیما بعد والتی تمت مناقشتها فی هذا التمهید سابقاً» (همان: ۳۳). نویسنده سعی کرده با پرداختن به بسیاری از مطولات مطالب موردنظر خود را به خواننده تفهیم کند و موضوعات و مسائل مشترک بین مطولات را، که از ویژگی‌های سبکی آن‌ها شده، استخراج کند و بسط دهد و در ارائه مطالب انسجام و نظم منطقی را رعایت کند، اما تعداد زیاد این مطولات در دوره‌ای که نویسنده برای بررسی انتخاب کرده و حجم بالا و کمیت زیاد این مطولات، که ناگزیر از آن است، خود عاملی مهم در دورشدن این اثر از نظم و انسجام است.

۱,۲,۲ منابع و استنادات کتاب

نکاتی درباره ارجاعات و استنادات کتاب از جمله:

- ارجاعات و ذکر مستندات در سراسر اثر از دقت علمی و رعایت اصول تحقیق و امانت‌داری نویسنده حکایت دارد. منابع و مآخذی که نویسنده در نگارش اثر خود از آن‌ها بهره برده است از نظر علمی و پژوهشی اعتبار کافی دارند و برای تبیین موضوعات موردبررسی در مطولات شعر معاصر عربی بسنده بوده‌اند.
- از شواهد صدق ادعای نگارنده این سطور مبنی بر امانت‌داری نویسنده اثر آن‌که وی در برخی از مطالب از نظرها و دیدگاه‌های استاد راهنمای رساله خود در دوره دکتری، که بعدها به صورت کتاب موردبررسی چاپ شده است، بهره برده و بادقت کامل آن‌ها را به استاد راهنما نسبت داده که نمونه آن در صفحات ۲۱۲ و ۲۵۸ مشاهده می‌شود.
- از نیکی‌ها و دقایق‌کاری نویسنده ارجاعات مناسب و متعدد وی و نیز نوشتن نکات و توضیحات در پانویس است. بدین ترتیب که در بسیاری از موارد اگر نکته‌ای را مختصر در متن بیان داشته، برای جلوگیری از اطناب در متن و دورشدن از موضوع اصلی در پانویس به آن پرداخته و یا خواننده را برای توضیحات بیشتر به منابعی چند ارجاع داده است. شاهد صدق این ادعا مطالب صفحات ۱۹، ۲۰، ۲۴ است.
- از نقاط قوت کتاب آن‌که نویسنده بهترین روش در مکان ارجاع یعنی برون‌متنی یا پانویس را انتخاب کرده و از روش واحدی در ارجاع در کل کتاب بهره برده به طوری که نام نویسنده، نام کتاب، و شماره جلد و صفحه را ذکر کرده است.

- هر چند در تنظیم کتاب‌نامه نباید القابی مانند دکتر، مهندس، و مانند آن را ذکر کرد، ولی نویسنده، هم در ارجاعات متن و هم در کتاب‌نامه، علامت اختصاری دکتر (د.) را برای نویسندگانی که از آثارشان بهره برده ذکر کرده است.
- نکته مهم دیگر درباره استفاده نویسنده از منابع خارجی است که وی در تألیف کتاب خود هر چند از ترجمه برخی آثار خارجی استفاده کرده (۱۶ مورد کتاب ترجمه شده)، اما فقدان منبع به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، و... از کاستی‌های این اثر محسوب می‌شود.
- دقت و نظم نویسنده در تنظیم منابع پایان کتاب نیز ستودنی است؛ زیرا نه فقط مشخصات کتاب‌شناسی همه منابع تابع سیاق واحدی به صورت کامل و دقیق بیان شده، حتی منابع را در چندین تقسیم ارائه کرده است (الدواوین، الکتب، المعجمات، رسائل جامعیه مخطوطه، المجلات والصحف، مقابله شخصیه).
- نوع اخیر منابع نویسنده مصاحبه است که با یکی از شاعران معاصر حسب الشیخ جعفر انجام داده است. بی شک، مصاحبه از انواع تکنیک‌های روش تحقیق به حساب آمده و آن «ملاقاتی است سنجیده که بین محقق و فرد یا افراد مورد نظر او صورت می‌گیرد و معمولاً محقق را به خوبی با وضع فرد یا افراد مطلوب آشنا می‌کند» (آریانپور ۱۳۵۷: ۲۲). چنین به نظر می‌رسد که وی از روش مصاحبه باز استفاده کرده که البته به نام‌های مصاحبه «عمیق»، «غیراستاندارد»، «ژرفانگر»، «بی‌ساختار»، و «آزاد» نیز شناخته شده است:

پرسش‌گر در بیان پرسش‌ها و پاسخ‌گو در طرح آن آزادی کامل دارند، یعنی پرسش‌گر آنچه را که به نظرش ضروری می‌رسد مطرح می‌کند و در طرح سؤال خود هیچ‌گونه محدودیتی احساس نمی‌نماید و پاسخ‌گو در جواب‌دادن به سؤال‌ها آزادی کامل دارد. پرسش‌گر چنین مصاحبه‌ای می‌تواند ایده‌های خود را در هر پرسش کلامی قرار دهد و سؤال‌های خود را با هر عبارت که کامل باشد مطرح نماید و پاسخ‌گو نیز می‌تواند جواب خود را به هر صورت که مایل باشد و در هر لفظی که دوست داشته باشد بیان دارد (ساروخانی ۱۳۷۳: ۲۱۴).

۲,۲,۲ دستاوردهای بررسی سبک‌شناسانه مطولات در دوره معاصر

نویسنده، در پایان بررسی و تحلیل سبک‌شناسانه خود، از مطولات دوره معاصر عربی به دستاوردهایی چند نیز اشاره داشته که عبارت است:

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث ۱۳۱

- به دلیل فراوانی مطولات در دوره معاصر می توان نام عصر المطولات را بر آن اطلاق کرد؛
- بی شک، آشنایی برخی شاعران و ادیبان هم چون نازک الملائکه با مطولات در ادبیات جهانی و دعوت ایشان بر ضرورت توجه هرچه بیش تر به این نوع از شعر در ادبیات عربی در فراوانی آن ها در دوره معاصر مؤثر بوده است؛
- در بین شاعران سراینده مطولات در هر سه مرحله ویژگی های سبکی مشترکی ملاحظه شد که عبارت است از بهره گیری از بحرهای ساده و مجزوء شعری، به کارگیری قافیه های آسان، تکرار، تعیین عنوان برای مطولات، ذکر اعلام مختلف در مطولات، توجه ویژه به خیال و تصاویر مختلف شعری؛
- تنوع موضوعی از دیگر ویژگی های مطولات دوره معاصر است که می توان به موضوعاتی چون دینی، فلسفی، انقلابی، و ملی اشاره کرد.

پیداست که جامعه آماری بسیار زیاد این پژوهش نویسنده را بر آن داشته تا در هر قسمت از کتاب مطوله ای را برگزیند و به بررسی و تحلیل آن پردازد. اگرچه تلاش نویسنده از جهتی درخورستایش است، اما از علمی بودن کار و دقت نتایج تاحدی کاسته شده است.

۳،۲،۲ تحلیل میزان ارتباط محتوای اثر با مبانی اسلامی و اصول و ارزش های دینی

نویسنده هیچ گونه مطلب ناسازگار با مبانی دینی و اصول و ارزش های اسلامی ارائه نکرده است، بلکه در مواردی نوعی از گرایش به این مبانی مشاهده شد. نویسنده مقدمه را با حمد و ثنای خداوند متعال و درود و سلام بر رسولش (ص)، که سنت قدیمی نگارش هر کتاب و رساله ای است، شروع نکرده، اما در خاتمه کتاب با امیدواری از خداوند خواسته که تلاشش در این زمینه مورد قبول و رضایت واقع شود.

در جایی از کتاب نیز به نظر شوقی ضیف درباره مقایسه بین مهیار دیلمی و ابن الرومی پرداخته و این که بیان داشته ابن الرومی در سرودن قصاید طولانی به دلیل داشتن فرهنگ و منطق بالا موفق تر بوده است، معترض شده و به دفاع از مهیار دیلمی این شاعر شیعی نام آوازه پرداخته است و این گونه بیان داشته که انکار فرهنگ بالای شاعری مانند مهیار به این سادگی نیست و بهتر بود دکتر شوقی ضیف با مطالعه و بررسی سبک شناسانه ای چنین نظری را بیان می کرد (عبدالرزاق العجیلی ۲۰۱۲: ۲۵).

از سوی دیگر تأکید گاه‌به‌گاهی نویسنده و اشاره وی به موضوعات مطولات که برخی از آن‌ها دینی است و بسط و شرح آن و ارائه نمونه‌های فراوان در این زمینه و نیز اشاره به برخی از مطولات، که به موضوعات و مسائلی مانند قضیه فلسطین و اشغال آن پرداخته‌اند که مورد توجه مسلمانان است، خود شاهد صدقی بر توجه پدیدآورنده اثر به اصول و ارزش‌های دینی و اسلامی است.

از نمونه اول در این زمینه اشاره نویسنده به مطولاتی است که به سیره رسول خدا (ص) و قهرمانان اسلامی پرداخته‌اند؛ مانند مطوله سیدمحمد هاشمی در مدح امام علی (ع) در ۴۰۰ بیت، مطوله عبدالحلیم مصری در مدح ابوبکر صدیق، و مطوله بولس سلامه با عنوان «عیدالغدیر» در بیش از ۳۰۰۰ بیت. از موضوع دوم مطولات زیر قابل ذکرند: مطوله «النازحة» اثر محمد شمس‌الدین، مطوله «ملاحم عربیه» اثر محمود سلیم الحوت، مطوله «أرض الشهداء» از ابراهیم العریض البحرانی، و مطوله «الحرب المقدسة» اثر محمود محمد صادق.

۳. نتیجه‌گیری

از بررسی و نقد کتاب *البنی‌الاسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث* نتایجی به دست آمد که به شرح ذیل است:

- کیفیت شکلی و چاپی اثر مورد بررسی از لحاظ حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و صحافی در سطح مطلوب قرار دارد، هرچند طرح روی جلد کتاب ساده است و عنوان کتاب، نام نویسنده، و انتشارات بر روی آن ذکر شده است؛
- جامعیت صوری کتاب نسبتاً مطلوب است؛ به گونه‌ای که فقط فهرست موضوعات، کتاب‌شناسی، و نتیجه دارد؛
- میزان بهره‌گیری نویسنده از ابزارهای علمی (طرح مقدماتی بحث، نتیجه، تمرین، آزمون، جدول، تصویر، نقشه، و...) خوب ارزیابی می‌شود؛
- عنوان اثر چندان با محتوا مناسب نیست و بسیار عام‌تر از محتواست؛
- با توجه به این که کتاب مورد بررسی تطبیق یک روش نقدی بر متن است، روزآمد و نو است و سعی نویسنده بر آن بوده تا در ارائه تحلیل‌ها و موضوعات و نحوه شرح و بسط آن‌ها نوآوری داشته باشد؛

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة فی الشعر العربی الحدیث ۱۳۳

- بهره‌گیری از منابع جدید و روزآمد از نقاط قوت اثر موردبررسی است. هم‌چنان‌که این منابع از تنوع هم برخوردار است و شامل الدواوین، الکتب، المعجمات، رسائل جامعیه مخطوطه، المجلات والصحف، و مقابله شخصیه است؛
- نویسنده مطالب ارائه‌شده را شماره‌گذاری نکرده، اما از دسته‌بندی مطالب غفلت نکرده تا محتوا از نظم و انسجام منطقی دور نماند؛
- امانت‌داری و دقت در ارجاع مطالب و ذکر منابع مورد استفاده از ویژگی‌های مثبت اثر است و این ارجاع‌دهی کاملاً با اصول منبع‌نویسی علمی مطابقت دارد؛
- محتوای علمی و پژوهشی نگاشته‌شده موردبررسی با مبانی پیش‌فرض موردقبول آن مطابق است و در محتوا مطلبی که با آن‌ها ناسازگار باشد یافت نشد؛
- در اثر موردبررسی هیچ‌گونه ناسازگاری با مبانی دینی و اصول و ارزش‌های اخلاقی یافت نمی‌شود.

۴. پیش‌نهادهای

- از آن‌جاکه نویسنده اهل زبان و زبان‌دان است و اثر خود را به زبان عربی فخیم و علمی نگاشته، بهتر است اندک خطاهای تایپی و نگارشی نیز برطرف شود؛
- عنوان اثر اصلاح شود، به‌طوری‌که بر محتوا دلالت داشته باشد، زیرا این عنوان بسیار عام بوده و اصلاً گویای آن نیست که مطولات در شعر معاصر بررسی شده‌اند؛
- دامنه پژوهش مشخص شود و اگرچه نویسنده دوره معاصر را مدنظر قرار داده، بهتر است به‌منظور افزایش دقت علمی و عمق پژوهش در اثر تعدادی مطوله خاص مشخص، بررسی، و تحلیل شود؛
- پیشینه پژوهش به اثر اضافه شود تا مشخص شود که چه آثاری قبل از این کتاب نگاشته شده و اهمیت اثر حاضر از چه نظر است؛
- نمونه‌های شعری و تحلیل آن‌ها در برخی از مباحث مانند اللغة والدلالة جای داده شود و برخی نمونه‌ها در مباحث دیگر افزایش یابد؛
- نتایج هر فصل به‌صورت موردی و مشخص بیان شود؛
- در پایان کتاب فهرست اعلام، فهرست مطولات بررسی‌شده، معرفی صاحبان مطولات، و... گنجانده شود؛

۱۳۴ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۸

- نویسنده توضیحاتی هرچند مختصر درباره سبک و سبک‌شناسی به‌منظور روش پژوهش ارائه دهد؛
- طرح جلد به‌گونه‌ای انتخاب شود که ارتباط موضوعی مستقیمی با محتوای اثر داشته باشد، توجه مخاطب را جلب کند، و انعکاسی از چکیده کتاب باشد.

کتاب‌نامه

- ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۹۸۱)، *المقدمة*، بیروت: دار العودة.
- ابن‌رشیق القيروانی، الحسن بن رشیق (۱۹۷۲)، *العمدة فی محاسن الشعر وآدابه و تقده*، تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت: دار الجیل.
- ابودیب، کمال (۱۹۸۴)، «الأسلوبية»، *مجلة فصول*، مج ۶، ع ۱.
- آگبرن، ویلیام فیلدینگ (۱۳۵۷)، *زمینه جامعه‌شناسی*، ترجمه و اقتباس امیرحسین آریانپور، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- برامز، م. هـ. (۱۹۸۷)، *المدارس النقدية الحديثة*، ترجمة عبدالله معتصم الدباغ، الثقافة الأجنبية.
- الجاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۶۹)، *الحيوان*، تحقیق عبد السلام هارون، بیروت: المجمع العلمي العربي الإسلامي.
- جبر، محمد عبدالله (۱۹۸۸)، *الأسلوب والنحو دراسة تطبيقية في علاقة الخصائص الأسلوبية ببعض الظواهر النحوية*، الإسكندرية: دار الدعوة.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- خوی‌نژاد، غلامرضا (۱۳۸۰)، *روش‌های پژوهش در علوم تربیتی*، تهران: سمت.
- الراجحی، عبده (۱۹۸۱)، «علم الأسلوب»، *مجلة فصول*، مج ۱، ع ۲.
- زلفی گل، محمدعلی و ابوالفضل کیانی بختیاری (۱۳۸۵)، «راه‌بردهای علمی و علوم راه‌بردی»، *مجموعه مقالات اولین جشنواره سراسری (نهضت نرم‌افزاری و تولید علم)*، شیراز: دانشگاه پیام‌نور.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۳)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: صراط.
- شلیبی، احمد (۱۹۷۴)، *كيف تكتب بحثاً أو رسالة*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶)، *کلیات سبک‌شناسی*، تهران: میترا.
- صابری، علی (۱۳۸۴)، *المنهج الصحيح في كتابة البحث الأدبي: دليل الطالب على أصول كتابة المقالة وإلقاء المحاضرة وقواعد إعداد الرسالة أو الأطروحة*، تهران: شرح.
- ضیف، شوقی (۱۹۷۲)، *البحث الأدبي: طبيعته، مناهجه، أصوله*، مصادره، القاهرة: دار المعارف.
- طالبیان، یحیی (۱۳۷۸)، *صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی*، کرمان: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی.
- عبدالرزاق العجیلی، کمال (۲۰۱۲)، *البنی الأسلوبية دراسة في الشعر العربي الحديث*، بیروت: دار الکتب العلمية.

نقدی بر کتاب البنی الأسلوبیة دراسة في الشعر العربي الحديث ۱۳۵

- غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۹۰)، *راهنمای ویرایش*، تهران: سمت.
- کریندورف، کلوس (۱۳۷۸)، *تحلیل محتوا، ترجمه هوشنگ نایب*، تهران: روش.
- مشکین فام، بتول (۱۳۹۱)، *البحث الأدبی؛ مناهجه ومصادره*، تهران: سمت، دانشگاه امام صادق (ع).
- مصلوح، سعد (۱۹۸۴)، «الأسلوبیة - ضمن مهرجان شوقي و حافظ الذی أقيم بالقاهرة سنة ۱۹۸۲م»، *مجلة فصول*، مج ۵، ع ۱.
- مصلوح، سعد (۱۹۹۲)، *الأسلوب دراسة لغویة أسلوبیة*، القاهرة: عالم الكتب.
- نادری، عزت الله و مریم سیف نراقی (۱۳۷۰)، *روش های تحقیق و چگونگی ارزش یابی آن در علوم انسانی*، تهران: دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

- Abdul Razzaq Al Ajaili, Kamal (۲۰۱۱), *Stylistic Structures Study in Modern Arabic Poetry*, Beirut: Dar al-kotob al- elmiah.
- Abo Deeb, Kamal (۱۹۸۴), "Stylistic", *Magazine Fosool*, no. ۱.
- Agburne and Name Kouf (۱۳۵۷), *The Background to Sociology*, Amir Hosein Aryanpoor (trans.), Tehran: Gini Bookstore.
- Al Rajhi, Abda (۱۹۸۱), "Stylistics", *Magazine Fosool*, no. ۲.
- Al-Jahez, Amr Ibn Bahr (۱۹۶۹), *Animal*, Investigation: Abde Al- Salam Haroun, Beirut: Arab Islamic Scientific Complex.
- Brooms, M. H. (۱۹۸۷), *Modern Critical Schools*, Abdullah Matasim al-Dabbagh (trans.), Foreign Culture.
- Cripendorf, K. (۱۳۷۸), *Content Analysis*, Translation: Hooshang Nayeb, Tehran: Method.
- Dif, Shoghi (۱۹۷۲), *Literary Research: Nature, Methods, Origins, Sources*, Cairo: Dar Al Ma'arif.
- Gholam Hosseinzadeh, Gholam Hossein (۱۳۹۰), *Edit Guide*, Tehran: Samt.
- Hafez Nia, Mohammed Reza (۱۳۸۲), *Introduction to Research Method in Humanities*, Tehran: Samt.
- Ibn khaldoon, Abdul Rahman Ibn Muhammad (۱۹۸۱), *Introduction*, Beirut: Dar Al-Awda.
- Ibn Rashigh Al- ghiravani, Al-hassan Ibn Rashigh (۱۹۷۲), *Mayor in the Beauties of Poetry and Literature and Criticism*, Beirut: Dar Al- Jeel.
- Jabr, Mohammed Abdullah (۱۹۸۸), *Method and Grammar Applied Study in the Relationship of Stylistic Properties to Some Grammatical Phenomena*, Alexandria: Dar Al Dawa.
- Khoy nezhad, Gholamreza (۱۳۸۰), *Research Methods in Educational Sciences*, Tehran: Samt.
- Meshkin Fam, Batul (۱۳۹۱), *Literary Research Its Methods and Sources*, Tehran: Samt, Imam Sadiq University.
- Musloh, Saad (۱۹۸۴). "Stylistic. Within the Festival Shawki and Hafez, Which Was Held in Cairo ۱۹۸۲", *Magazine Fosool*, no. ۱.
- Musloh, Saad (۱۹۹۲), *Style Stylistic Linguistic Study*, Cairo: World of Books.

۱۳۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال نوزدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۹۸

- Naderi, Ezzatollah and Maryam Seif Naraghi (۱۳۷۰), *Research Methods and how to Evaluate it in Humanities*, Tehran: Badr Publications Office
- Saberi, Ali (۱۳۸۴), *The Correct Approach to Writing Literary Research*, Tehran: Sharh.
- Sarukhani, Bagher (۱۳۷۳), *Research Methods in Social Sciences*, Tehran: Sirat Publishing House.
- Shalaby, Ahmed (۱۹۷۴), *How to Write a Research or a Message*, Cairo: Egyptian Renaissance Library.
- Shamysa, Sirous (۱۳۸۶), *General Stylistics*, Tehran: Mitra.
- Talebian, Yahya (۱۳۷۸), *Fiction in Poetry of Khorasani Style Poets*, Kerman: Imad Kermani Cultural and Publishing Institute.
- Zulfi Gol Mohammad, Ali and Abu al-Fazl Kiani Bakhtiari (۱۳۸۵), "Scientific Strategies and Strategic Science", *The First National Festival of Software Movement and Science Production*, Shiraz: Payam-e-Noor University.